

هو الله

ای دختر عزیز من مکاتیب متعدده شما رسید مختصر بود و مفید از مضامینش معانی دلنشین استنباط گشت و دلیل بر ثبوت و رسوخ در محبت نور مبین بود شکر کن خدا را که در چنین عهدی بچنین فضلی موفق گشتی امیدوارم که در خدمت امر الله و نشر انوار ملکوت الله بکوشی و بمحبت الله و تعلق بملکوت الله تاجی بر سر نهی که گوهر شبافروزش اعصار و دهور را روشن نماید تاج اینست نه تاج ملکات آفاق آن تاج عاقبت از سر برافتد و شکسته گردد و جواهرش متفرق شود و نام و نشانی از آن نماند اما این تاج روز بروز بر سر استقرارش بیشتر گردد و گوهرش درخشنده تر شود و تالواش مانند بارقه صبح منتشر در آفاق گردد و غلبه بر اعصار و ادهار نماید زیرا بمرور دهور فراموش نگردد و از کرور اعصار فتور در لمعانش حاصل نگردد

در خصوص شهادت یاران الهی در ایران مرقوم نموده بودی که محزون شدی و مغموم گشتی حق با شماست البته باید بر مظلومیت این نفوس گریان شد و با قلبی سوزان ناله و فغان نمود زیرا تا بحال در جمیع قرون و اعصار چنین مظلومیتی واقع نگشته اعدا بهجوم عمومی مسلح بغتة بر خانه و کاشانه ریخته اموال بتاراج بردند و رجال را بضرب تیغ و خنجر پاره پاره نمودند و اجساد مطهره را آتش زدند و بعضی نساء را بقماش پیچیده و نفت ریخته و زنده زنده بسوختند طفلانرا سرگشته کوه و بیابان نمودند و خانه و خانمانرا بکلی بسوختند چه بسیار مادر که بی پسر گشت و بسا اطفال بی پدر و مادر ماند و چه بسیار خواهر که بر جنازه برادر خون گریست و بسا پدر که بر ماتم پسر گریان درید از جمله یک زن پسر و شوهر و برادر را جسد پاره پاره یافت و چون گریه و زاری نمود ضرب تازیانه دید و نزدیک بهلاکت رسید چنین مظلومیتی در هیچ تاریخی شنیده نشد و این وقوعات مخالف رضایت حکومت واقع و حکومت در محافظت عاجز شد و هجوم بقسمی عمومی بود که نفس حکومت بخوف افتاد و در قلعه بمحافظه خود پرداخت ملاحظه نمائید که مظلومیت چه قدر شدید بود و حال جمعی از اطفال و نساء سرگردان در کوه و بیابان نه انیسی نه رفیقی نه شفیقی نه دادرسی نه معینی برهنه و گرسنه و بی سر و سامان و شهیدان در حین شهادت هیچ یک انکار جمال ابهی نمودند بلکه فریاد یابهاء الابهی میزدند و یاطوبی و یابشری میگفتند و نفس اعدا بیان احبا را بنظم درآوردند که هر یک دم تسلیم روح چه میگفت و چه ندائی میکرد و الآن در کوچه و بازار اطفال اعدا عباراترا حفظ نموده بالحن و نغمات میخوانند و همچنین بازماندگان شهیدان در نهایت صبر و سکون و وقار بشکر حضرت پروردگار زبان گشایند که در سبیل جمال ابهی مورد این مصیبت کبری گشتند ثبات و استقامت را مشاهده نما حضرت پطرس حواری چون کار را مشکل یافت سه مرتبه حضرت مسیح را انکار کرد ملاحظه نما که چه قدر فرق در میان

باری آن دختر عزیز باید که در آن اقلیم بعید دوستان و اماء رحمانرا جمیعاً بحرکت و انجذاب آرد تا بدانند که قوه روح القدس در ایران چه نفوذی ظاهر نموده که دسته دسته پاکوبان رقص کنان در کمال مسرت و شادمانی بقربانگاه الهی شتافته جانفشانی نمایند امة الله جاکسن را خادمهئی هست که بانواع وسایل او را خمودت خواهد حتی مکاتیبی از برای جاکسن بعضی ارسال نمودند که در طیش مکتوبی از من بوده آن خادمه در غیاب مسس جاکسن مکاتیب را گرفته و نرسانده شما او را یا بکتابت و یا بمصاحبت بیدار نمائید چون به حیفا آمده و ملاقات نموده و قبر مقدس را زیارت کرده حیف است که چنین خادمه مانع فیض شود و همچنین سائر اماء رحمانرا بتشویق و تحریص پرداز تا روز بروز پرشورتر شوند و روشن تر گردند و ثابت تر شوند و بر خدمت امر الله بیشتر قیام نمایند باید که در آنصفاحت آن دختر عزیز جندی سیار باشد از شهر بشهری هر وقت فرصت یابد سفر کند و یارانرا با هم الفت دهد تا سراج محبت الله در قلوب روشن گردد و انوار معرفت الله بر عقول و افکار

جلوه نماید مادر عزیز را تحیت و احترام من برسان و بگو چه خوش بخت بودی که چنین دختری یافتی و چنین ثمری بیار آوردی
و اگر بدانی خدا چه موهبتی در حق تو نموده البتّه هر دم صد هزار شکر بجا آری و علیک التّحیّة و الثّناء ع

فی ۱۲ سبتمبر سنه ۱۹۰۳

این سند از [کتابخانه دیجیتال](http://www.bahai.org/fa/legal) بایبلی داندلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ آوریل ۲۰۲۳، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر